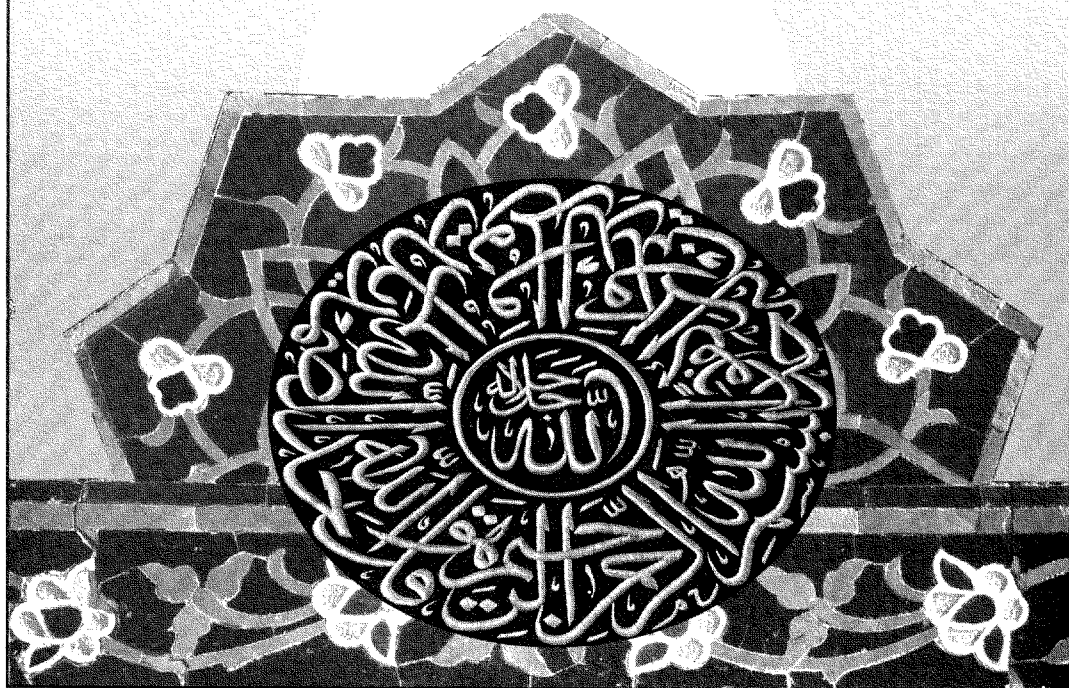
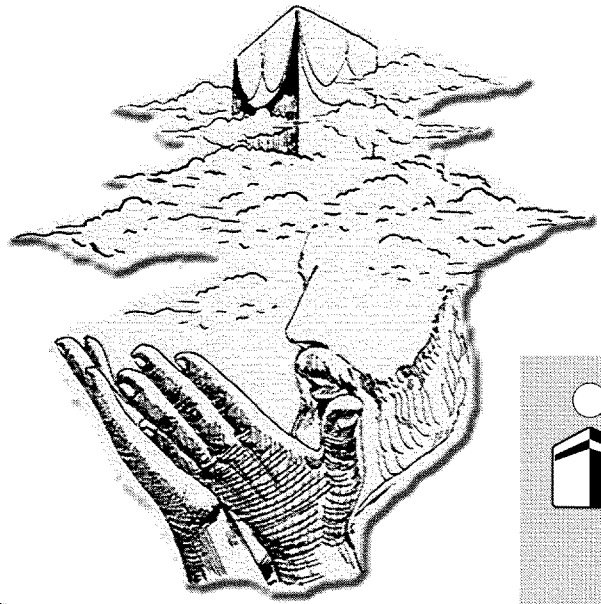


از نگاه دیگر





دعا در حریم یار

احمد علی نقی پور

یافتگان، به اندازه توان و فعالیت خویش بدان راه می یابند. از ره توشه های این راه که می تواند کمک شایانی در راه رسیدن به این نقطه وصل بنماید، «دعا» است.

به گفته بعضی اهل عرفان، دعا واسطه اسم اعظم، معراج نفس، وسیله قرب الی الله، حیات روح، توشه سالکان حرم کبریای لایزال و شعار عاشقان قبله جمال و دثار عارفان کعبه ذی الجلال است.

دعا، یاد دوست در دل راندن و نام او به زبان آوردن و در خلوت با او جشن گرفتن و در وحدت با او نجوا ساختن و شیرین زبانی کردن است و بالأخره به فرموده اولیای دین، مغز تمامی عبادت ها است؛ دعایی که رهروان این طریق به

قدم در حریم دوست نهادن و در محاذات عرش خداوندی به گردش در آمدن، گذشته از این که روح و روان آدمی را جلا می دهد، خود نعمتی است از نعمت های قابل ستایش و بر بنده است در این عبودیت بر خود ببالد که توانسته است به چنان عظمت و روح بلندی راه یابد که پای در آن حرم بی بدیل نهد و در سلک سالکان معبود بی متها در آید.

روح زمانی به اوج می رسد که پرده ها کنار رود «وَتَخْرُقُ أَبْصَارُ الْقُلُوبِ حُجْبَ النُّورِ» هویدا گردد و بعد مسافت به قرب جبل الوریق مبدل شود و در پایان، فنای عبد زائر در مولای مزور را به دنبال داشته باشد.

نیل به این قله، نسبی است و ره



سالکان آموختند و راه را بر آنان آسان و هموار کردند. (که در جای خود سپاسی در خور تحسین به آستان آن معلمان بشریت را می‌طلبد).

آنان، هم خواستن را آموختند و هم چگونه خواستن را و بر ما است که طریق سلوک بیاموزیم و آن‌گونه که تعلیم یافته‌ایم به کار گیریم (ره چنان رو که رهروان رفتند) چرا که، «چه خواستن» و «چگونه خواستن» از ارکان رسیدن به هدف است و به گفته اهل معرفت، ره‌پویان این راه برای رسیدن به نقطه مطلوب، بدون راه دان، راه به جایی نمی‌برند که خود راه دانان نیز از طریق وحی بدان راه یافته و در سبیل آن قدم نهاده‌اند و اگر وحی و دانش آموختگان طریق وحی نبودند شاید هرگز بشریت نمی‌توانست دریچه‌ای به آن نقطه مطلوب بگشاید. ما نیز به عنوان یکی از این قافله، عزم بر این نهاده‌ایم که از همین آبش خور جرعه‌ای نوشیده، صفای روح و جلای باطنی پیدا کنیم، لذا قافله سالاران را پیش قراول خود قرار داده بدانان اقتدا می‌کنیم.

بدین روال، در این نوشته ابتدا از وحی خداوندی و به دنبال آن، از شاگردان آن مکتب برای بررسی و سپس

راهیابی به آداب درخواست و دعا، گلچین‌هایی ارائه و به توضیح و شرح آن می‌پردازیم:

۱- آیات الهی

خداوند متعال از طریق وحی به خاتم انبیاء ﷺ، در آیات فراوانی از دعاهاى ملائکه، انبیا، مؤمنان، جنیان و... سخن به میان آورده است. برخی از این آیات از زبان نامبردگان دعاهاى را بیان داشته و تحسین کرده، یا بر آنها صحه گذاشته و یا امت اسلامى و پیامبران این امت ها آموخته است. نگاهی اجمالی در قرآن، آن ودیعه الهی، آدمی را به بیش از صد مورد از این نمونه رهنمون می‌کند که هر کدام از آنها در بردارنده ادبی از آداب دعا و نکته‌ها و ظرافت‌هایی در این زمینه است؛ گرچه در این نوشته کوتاه، مجالى برای ذکر همه آنها نیست.

اما آب دریا را اگر نتوان کشید هم به قدر تشنگی باید چشید

یکی از آداب دعا «جهر و اخفات» (بلند و آهسته خواندن) آن است که در این نوشته دنبال شده است. اهل فن در زمینه فوق فراوان قلم زده و سخن به میان





آورده‌اند که در میان کلام از آنها خوشه بر چیده استفاده می‌کنیم:

الف: ﴿ذِكْرُ رَحْمَتِ رَبِّكَ عَبْدَهُ زَكْرِياً إِذْ نَادَى رَبَّهُ نِدَاءً خَفِيّاً﴾^۱

«این یادی است از رحمت پروردگار تو نسبت به بنده‌اش زکریا، هنگامی که پروردگارش را به صورت آرام و آهسته خواند.»

در این آیه خداوند دعای زکریای پیامبر ﷺ را متذکر شده که آن پیامبر الهی به صورت آرام و آهسته از خداوند طلب فرزند کرد. دو کلمه «نداء» و «خفياً» در کنار یکدیگر در حالی است که به گمان بعضی این دو متضاد می‌باشند. «ندا» به معنای دعای بلند و «خفياً» به معنای آرام و آهسته است و همین موضوع باعث شده دست به توجیحات غیر معقولی بزنند؛ اما مرحوم شیخ طوسی در تفسیر تبیان به صورت منطقی این آیه را تفسیر کرده است.

وی «نداء» را به دعا و «خفياً» را به آرام معنا می‌کند، نداءً خفياً؛ یعنی «دعاءً خفياً»، سپس به تفسیر آن پرداخته می‌نویسد:

«وَأَصْلُ النَّدَاءِ مَقْصُورٌ مِنْ نَدَى الصَّوْتِ بِنَدَى الْحَلْقِ»^۲. بنابراین، تفسیر، «خفياً» صفت برای «نداء» می‌شود

که در فارسی از آن به دعای آرام و آهسته یاد شده است. در این صورت دیگر چه احتیاجی به آن توجیه‌ها نیست. مرحوم امین الاسلام طبرسی نیز همین معنا را برگزیده و در پی آن نوشته است: این خود دلیلی است بر اینکه مستحب است دعا به صورت آهسته و آرام خوانده شود و به اجابت نیز نزدیک‌تر است، سپس روایت «خیر الدعاء الخفی» یعنی بهترین دعاها دعای سری، آهسته و آرام است.^۳ را برای تأیید خود آورده است که در بخش روایت‌ها به شرح آن خواهیم پرداخت.

پس همان‌گونه که از تفسیر این آیه معلوم شد خداوند دعای آرام و مخفیانه را توصیه و سفارش کرده و به اجابت نزدیک‌تر دانسته است و از آیه هفت به بعد همین سوره بر می‌آید خداوند این دعای خالصانه زکریای پیامبر را اجابت کرده و خواسته او را بر آورده است.

ب: ﴿وَإِنْ تَجَهَّرَ بِالْقَوْلِ فَإِنَّهُ يَعْلَمُ السِّرَّ أَحْفَى﴾^۴.

«و اگر سخت را آشکار کنی [یا پوشیده داری] بدان که او هر راز و هر نهفته‌ای را می‌داند.»

در این آیه خداوند خطاب به پیامبر اسلام می‌فرماید: اگر سخت را آشکار

کنی او (پروردگار تو) سرّ و اخفی را می‌داند و قابل توجه اینکه سرّ و اخفی با هم ذکر شده است. سرّ آن است که شخص مطلبی را از دیگران مخفی بدارد و به طور سرّی به فرد خاصی بگوید و اخفی آن است که آن مطلب را در نفس خویش مخفی داشته و کسی را از آن آگاه نسازد. صاحب مجمع البیان از امام باقر و امام صادق علیهما السلام نقل می‌کند: سرّ چیزی است که در نفس خویش آن را مخفی کنی و اخفی آن است که چیزی به ذهنت خطور کند و آن را از یاد ببری و به فراموشی بسپاری. وی پس از بیان این روایت می‌گوید: کوشش نکن صدای خود را [برای خواندن خدا] بالا ببری چرا که خداوند سرّ و اخفی را می‌داند.^۵ و اینکه گفته شد خداوند سرّ و اخفی را می‌داند کنایه از این است که لازم نیست هنگام دعا صدای خود را بلند کنی و داد و فریاد به راه اندازی، این آیه نیز آهسته و آرام خواندن دعا را سفارش می‌کند.

ج: «قُلْ مَنْ يُنَجِّيْكُمْ مِنْ ظُلُمَاتِ الْبَرِّ وَالْبَحْرِ تَدْعُونَهُ تَضَرُّعًا وَخُفْيَةً لَّئِنْ أَنْجَانَا مِنْ هَذِهِ لَنَكُونَنَّ مِنَ الشَّاكِرِينَ»^۶.

«بگو چه کسی شما را از تاریکی‌های خشکی و دریا نجات میدهد، هنگامی که او را به صورت آشکار و نهان خواننده،

می‌گویید: اگر خدا ما را نجات دهد از شاکران خواهیم بود.»

این دعا زبان حال کسانی است که در تاریکی دریا (به طوفان و امواج سهمگین آن) گرفتار شده‌اند، آنان در این حالت بحرانی تنها امید خود را خدا دانسته، دست به دعا بر می‌دارند و از آن قدرت بی‌متنا می‌خواهند که از این گرفتاری نجاتشان دهد. گرچه این خواسته از زبان گروهی گرفتار به امواج دریا و حتی مشرک بیان شده است اما همان‌گونه که از آیه بعد بر می‌آید، خداوند به این خواهش آنان جواب مثبت داد و چون اشکال و ردّی نیز بر کیفیت بیان درخواست آنان نشده، معلوم می‌شود این‌گونه خواستن مورد قبول نیز واقع شده است. نکته قابل توجه ذکر دو واژه «تَضَرُّعًا» و «خُفْيَةً» در کنار یکدیگر است.

راغب اصفهانی تضرع را به اظهار ضراعت، ذلت و خشوع به درگاه خدا دانسته است. مرحوم علامه طباطبایی پس از ذکر کلام راغب می‌گوید: «وَلذَلِكَ قَوْلٌ بِالْخُفْيَةِ وَهُوَ الْخَفَاءُ وَالِاسْتِتَارُ فَالتَضَرُّعُ وَالْخُفْيَةُ فِي الدَّعَاءِ هُمَا الْإِعْلَانُ وَالِاسْتِرَارُ فِيهِ»^۷.

خضوع و خشوع به درگاه خدا، بیشتر با سرّی بودن سازگار است نه با





دعای بلند و سر و صدا.

مرحوم طبرسی در تفسیر این آیه نوشته است. «هَذَا يَدُلُّ عَلَى أَنَّ السَّنَةَ فِي الدُّعَاءِ التَّضَرُّعِ وَالْإِخْفَاءِ؛ سنت در دعا، تضرع و آهسته و مخفیانه دعا کردن است.» وی سپس روایت پیامبر ﷺ را که فرمود: بهترین دعاها دعای مخفی است... ذکر کرده است.^۸ از تفسیر این آیه نیز همچون آیه‌های سابق معلوم می‌شود، مطلوب در دعا آهسته و آرام بودن آن است.

د: «ادْعُوا رَبَّكُمْ تَضَرُّعًا وَخُفْيَةً...»^۹

«پروردگار خویش را با خضوع و خشوع و مخفیانه بخوانید...»

این آیه، هم افق با آیه پیش است، لذا سخنانی که در اطراف آن آیه مطرح شد در این جا نیز می‌تواند مطرح شود. علاوه بر آنها، صاحب مجمع البیان از حسن بصری، یکی از مفسران معروف نقل می‌کند: «بین دعوة السرِّ و دعوة العلانية سبعون ضعفاً» بین دعای سرّی و علنی هفتاد فاصله است. ذکر عدد بزرگ در کلام عرب در این گونه موارد معمولاً برای شمارش نیست بلکه برای بیان فرق زیاد است. لذا این مفسر خواسته فاصله زیاد بین دعای سرّی و دعای علنی را بیان

کرده باشد.^{۱۰} (در قسمت روایت‌ها، این روایت از ائمه هدی ذکر و به بحث گذاشته خواهد شد) مرحوم علامه طباطبایی در تفسیر این آیه می‌گوید خفیه به معنای پنهانی و پوشیده داشتن است و بعید نیست کنایه از همان تضرع بوده و غرض از ذکرش تأکید همان اظهار ذلت باشد چون شخص متذلل همواره در اثر ذلت و خواری در صدد پنهان ساختن خویش است... خداوند دستور داده این عبارت با تضرع و زاری انجام پذیرد و با صدای بلند که منافی با ادب عبودیت است نباشد (این معنا در صورتی است که او بین «تضرعاً» و «خفیه» و او جمع باشد).^{۱۱}

همان گونه که ملاحظه شد علامه طباطبایی دعای بلند همراه با سر و صدا را نه تنها مطلوب و مفید ندانسته بلکه آن را مخالف با ادب عبودیت می‌دانند و به پرهیز از آن سفارش می‌کنند.

ه: «وَأَذْكُرُ رَبَّكَ فِي نَفْسِكَ تَضَرُّعًا وَخِيفَةً وَدُونَ الْجَهْرِ مِنَ الْقَوْلِ بِالْغُدُوِّ وَالْآصَالِ وَلَا تَكُنْ مِنَ الْغَافِلِينَ».

خداوند در این آیه، یاد پروردگار را به دو قسم تقسیم کرده: یکی در دل، بدون هرگونه لفظ و به زبان آوردن و دیگری با زبان اما آرام و آهسته و به هر دو قسم آن، امر و توصیه کرده اما به

ذکرهای با صدای بلند نه اینکه امر نکرده بلکه از آن نهی نموده است.

صاحب المیزان در تفسیر این دو آیه فرموده: اینکه خداوند به ذکر با صدای بلند فرمان نداده نه به خاطر این است که ذکر نیست بلکه به این خاطر است که با ادب عبودیت منافات دارد و روایتی از پیامبر خدا ﷺ (به صورت نقل به معنا) ذکر می‌کند که آن حضرت وقتی یکی از اصحابش با صدای بلند تکبیر می‌گفت فرمود: آن کسی که شما آن را می‌خوانید نه دور است و نه غایب.^{۱۲}

و: ﴿وَلَا تَجْهَرُ بِصَلَاتِكَ وَلَا تُخَافِتْ بِهَا وَابْتَغِ بَيْنَ ذَلِكَ سَبِيلًا﴾.^{۱۳}
نماز را نه زیاد بلند و یا خیلی آهسته نخوان و از میان آن دو راهی (میانه) انتخاب کن.

این آیه گر چه به نظر بیش‌تر مفسران در مورد قرائت نماز نازل شده، اما ابن عباس آن را به دعا تفسیر کرده است.^{۱۴} هر کدام از این دو تفسیر را برگزینیم به هدف ما که بلند نکردن صدا در عبادت است کمک می‌کند.

خدا در این آیه پیامبرش را از عبادت با صدای بلند نهی کرده، انتخاب راه میانه را به وی پیشنهاد می‌کند و اگر نظر اکثریت مفسران را پذیرفته بگوییم

در مورد نماز است آن‌گاه بر قوت بحث افزوده می‌شود که خداوند نخواسته و رضایت نمی‌دهد بهترین عبادت بندگانش با صدای بلند انجام گیرد.

تا اینجا گلچینی از آیات مورد توجه قرار گرفت و از آنها توصیه به آرام برگذار کردن دعا فهمید شده و در موارد مذکور نمونه‌ای یافت نشد که دعای بلند همراه با سر و صداها معمول را تجویز نماید. اما آیات دیگری نیز وجود دارد که کلی است و می‌توان از کلیت آنها در این بحث استفاده نمود، به چند مورد آن اشاره می‌گردد:

الف - ﴿وَهُوَ اللَّهُ فِي السَّمَوَاتِ وَفِي الْأَرْضِ يَعْلَمُ سِرَّكُمْ وَجَهْرَكُمْ وَيَعْلَمُ مَا تَكْسِبُونَ﴾.^{۱۵}

اوست خدا در آسمان‌ها و در زمین، آشکارا و پنهان شما را می‌داند و بدان چه به دست می‌آورید آگاه است.

ب - ﴿عَالِمُ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ الْكَبِيرُ الْمُتَعَالِي * سَوَاءٌ مِنْكُمْ مَنْ أَسَرَ الْقَوْلَ وَمَنْ جَهَرَ بِهِ...﴾.^{۱۶}

او دانای به غیب و شهود و بزرگ و متعالی است، برای او یکسان است پنهانی یا آشکارا سخن بگوید (هر دو را می‌شنود و بدان آگاه است).

ج - ﴿إِنَّهُ يَعْلَمُ الْجَهْرَ مِنَ الْقَوْلِ





وَيَعْلَمُ مَا تَكْتُمُونَ»^{۱۷}.

او سخنان آشکار و آنچه پنهان می‌کنید می‌داند (چیزی بر او مخفی و پوشیده نیست).

د- «وَأَسِرُّوا قَوْلَكُمْ أَوِ اجْهَرُوا بِهِ إِنَّهُ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ»^{۱۸}.

گفتار خود را پنهان کنید یا آشکارا سازید (برای خدا تفاوتی نمی‌کند) او آگاه است به آنچه در سینه‌ها می‌گذرد.

ه- «...إِنَّهُ يَعْلَمُ الْجَهْرَ وَمَا يَخْفَى»^{۱۹}.

او آشکار و نهان را می‌داند.

این دسته آیات به ما می‌آموزد خداوند عالم و آگاه به تمام وجود ما است و در بربر علم او چیزی نمی‌تواند خود را در بوته ابهام نگه دارد، او نه تنها آگاه به ظواهر است که نهان و ذات پنهان را نیز می‌داند (این خود بحثی است طولانی که این کوتاه سخن را مجالی برای ذکر آن نیست) حال که چنین است چه لزومی دارد انسان هنگام خواندن آن عالم السر و الخفیات، صد را بلند کرده و او را [نعوذ بالله] تا حد یک فرد کر و کور تنزل دهد و اگر دعاکننده به آن حد از معرفت نرسیده باشد و نفهمد با چه مقامی سخن می‌گوید باید بداند هرگز به مطلوب خود به طور کامل راه نخواهد یافت.

اما روایات

روایات نقل شده از پیامبر خدا ﷺ و ائمه هدی علیهم‌السلام نیز به تبع آیات، دعای سری و مخفی را سفارش می‌کنند.

۱- اسماعیل بن همام از امام رضا علیه‌السلام نقل می‌کند که آن حضرت فرمود: «دَعْوَةُ الْعَبْدِ سِرًّا دَعْوَةٌ وَاحِدَةٌ تَعْدِلُ سَبْعِينَ دَعْوَةً عَلَانِيَةً» یک دعای سری بنده معادل هفتاد دعای علنی است.^{۲۰} این روایت همان گونه که مرحوم مجلسی رحمته‌الله نیز بیان کرده از نظر سلسله سند صحیح می‌باشد و می‌فماند که دعای مخفی افضل از دعای آشکار است به شرط آن که دعای آشکار شائبه ریا نداشته باشد و الا هیچ گونه فضلی در آن متصور نخواهد بود.^{۲۱}

۲- «دَعْوَةٌ تُخْفِيهَا أَفْضَلُ عِنْدَ اللَّهِ مِنْ سَبْعِينَ دَعْوَةً تُظْهِرُهَا» یک دعای مخفی افضل از هفتاد دعای علنی است.^{۲۲} این روایت تأکید و تأیید کننده مفهوم روایت قبل است و ذکر عدد بزرگ در کلام عرب همان گونه که قبلاً ذکر شد برای بیان ارزش فضل زیاد می‌آید.

۳- امام صادق علیه‌السلام فرمود: «مَنْ ذَكَرَنِي سِرًّا ذَكَرْتُهُ عَلَانِيَةً»^{۲۳} هر کس مرا در سر بخواند من او را آشکارا یاد می‌کنم. این روایت نیز مانند روایت‌های

قبل بیان کننده شرف و فضل دعای مخفی است. اما در مورد اینکه خداوند چگونه دعاکننده مخفی را یاد می‌کند سخنان فراوانی گفته شده که از حوصله این بحث خارج است.

۴- زراره از امام باقر علیه السلام و امام صادق علیه السلام نقل می‌کند: «لَا يَكْتُبُ الْمَلِكُ إِلَّا مَا سَمِعَ وَقَالَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ وَادْكُرْ رَبَّكَ فِي نَفْسِكَ تَضَرُّعًا وَخِيفَةً فَلَا يَعْلَمُ ثَوَابَ ذَلِكَ الذَّكْرِ فِي نَفْسِ الرَّجُلِ غَيْرُ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ لِعَظَمَتِهِ».^{۲۴}

ملك (مأمور ثبت اعمال) چیز نشنیده را ثبت نمی‌کند و این در حالی است که خداوند توصیه به دعای سرّی نموده است پس نتیجه گرفته می‌شود که ثبت و پاداش دعای سرّی با خود خداست و خود ضامن چنین دعایی است (این دعا چون بی واسطه است از مراحل عالی پاداش برخوردار خواهد بود).

مرحوم مجلسی در شرح این روایت چند مسئله را متذکر شده است:

اول: ذکر قلبی از ریا خالی است، چراکه وقتی ملائکه از آن باخبر نشوند چگونه دیگران می‌توانند از آن اطلاع یابند بنابراین هیچ گونه ریایی در آن متصور نیست.

دوم: ذکر قلبی بر ذکر آشکار رجحان دارد و این برداشت از آیه بعدی مورد بحث ظاهراً است، چون در آیه واژه «دون الجهر» مقدم بر «القول» شده است و این تقدم بیان کننده رجحان و عظمت دعای مخفی بر دعای آشکار است.

سوم: از تخصیص تضرع و خفیه به ذکر قلب معلوم می‌شود عمده تضرع با ذکر قلبی حاصل می‌شود نه با ذکر آشکار و زبانی.

مرحوم مجلسی در پایان نتیجه گرفته است، هر کاری که موافق با فرمان خداوند سبحان بود دارای ثواب است و ذکر مخفی از اعمالی است که مورد فرمان خداست. خدا می‌توانست علامتی قرار دهد که ملائکه بر اعمال سرّی آگاه شده، بتوانند آن را ثبت کنند. اما اینکه برای آنان چنین نشانه‌ای قرار نداد به خاطر شدت عنایت خداوند به چنین عمل است که وفور ثوابش را فقط خودش می‌داند و بس و ثبت آن فقط در حیطة علم خداوندی می‌تواند جای گیرد.^{۲۵}

۵- «خَيْرُ الدُّعَاءِ الْخَفِيِّ وَ خَيْرُ الرِّزْقِ مَا يَكْفِي».^{۲۶}

بهترین دعا دعای مخفی و بهترین رزق رزقی است که مکفی انسان باشد.





۶- در تفسیر مجمع البیان نقل شده روزی پیامبر خدا ﷺ بر مردمی عبور کردند که صدای خود را به «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» و تکبیر بلنده کرده بودند پیامبر ﷺ فرمودند: «إِيهَا أَيُّهَا النَّاسُ اذْبَعُوا عَلَيَّ أَنْفُسَكُمْ أَمَا إِنَّكُمْ لَا تَدْعُونَ أَصَمَّ وَلَا غَائِبًا وَإِنَّمَا تَدْعُونَ سَمِيعًا قَرِيبًا مَعَكُمْ». ۲۷ ای مردم به خود باز گردید (در کار خود تفکر کنید) آیا شما ناشنوا و غایبی را می خوانید (که چنین صدای خود را بلند کرده اید) بلکه شما شنوایی که با شما هیچ گونه فاصله ای ندارد می خوانید.

این فرمایش پیامبر نهی ضمنی در خود دارد بدین گونه که می خواهد به آنان بفهماند این چگونه دعایی است که این قدر قال و قول دارد در صورتی که شما کسی را می خوانید که از رگ گردنتان به شما نزدیک تر است.

و این بود خوشه ای از ده ها و صدها توصیه از بزرگان دین در مورد ادب راهیابی به حریم با حرمت ربوبی.

نتیجه گیری

از جمع آیات و روایات به دست می آید مطلوب در دعا آهسته و آرام خواندن آن است و بلند خواندن و سر و

صدا به راه انداختن نه تنها توصیه نشده بلکه همان گونه که مشاهده شد پیامبر خدا ﷺ از آن نهی فرمودند دعا کننده نباید تنها با زبانش چیزی را بخواهد بلکه باید با تمام وجود احساس نیاز کرده خواسته اش را از خدا طلب کند که در این مواقع زبان تنها سخن گو است و بیانگر درون و روح و روان است. و از طرفی آن که از درگاهش خواهش می شود سمیع و بصیر است و همه تار و بود آدمی را می داند و از خواسته های درونی اشخاص با خبر است چه رسد به وقتی که در قالب الفاظ درآمده به زبان آید و گذشته از همه آنها عقل سلیم آدمی نیز همین برداشت را تأیید می کند چرا که هر گاه بنده بخواهد وصل به معبود شود تمرکز لازم دارد و تمرکز با داد و فریاد منافات داشته هرگز با هم جمع نمی شوند. انسان باید تمام افکار خود را متوجه او سازد تا به وصلش نائل آید، از هم گسیختگی و داد و فریاد مخالف با ادب عبودیت و در تضاد کامل با عشق ورزیدن به معبود است مگر اینکه وقتی در عشق او می سوزد از خود بی خود شده و زبان به فریاد بگشاید و عشق درونی خویش را ناخود آگاه نمایان سازد.

علاوه بر این رعایت حقوق

دیگران از بدیهیات اخلاقی است و نادیده گرفتن و تجاوز به آن و در نتیجه همان گونه که مورد نهی عقل و شرع بوده ناخشنودی خالق را نیز به دنبال خواهد داشت و چگونه می توان باکاری که موجب ناخشنودی پرورگار است رضایت او را جلب کرده، وسیله باریابی به بارگاه قدسش قرار داد. بدیهی است در این حالت نه آن که صعودی متصور نیست بلکه سقوطی نیز نمایان است و این خسارتی است که هیچ عاقلی را بدان گمان نمی رود و او را نسزد که برای رسیدن به مطلوب خود از راه های غیر عاقلانه و حتی غیر شرعی استفاده کند و پیمودن آن، راهی است به بیراهه.

حال که روشن شد دعای مطلوب آهسته و آرام خواندن و رعایت حقوق دیگران است پس باید از سر و صدا و دعای بلند به خصوص دعاهای دسته جمعی اطراف خانه توحید دست کشید و طواف کعبه و سعی بین صفا و مروه را که

دو عمل عبادی است به تظاهرات مبدل نکرد^{۲۸} و از شور آفرینی های بی مورد جداً خودداری کرد.^{۲۹}

بی سوادی بعضی مؤمنان و شک در اشواط و توجیهاتی از این قبیل مجوز این کارها نمی شود. می توان آنان را به ذکرهاى وارد شده همچون تسیحات اربعه که بنابر روایت منقول در اصول کافی به عنوان بهترین ذکر دانسته شده و یا ذکر صلوات بر محمد و آل محمد که آن هم بنابر روایتی از جمله بهترین دعاها شمرده شده سفارش نمود و یا لا اقل یک نفر دعاهای اشواط را خوانده و به دیگران سفارش کند به صورت آهسته زمزمه کنند به امید اینکه این دو عبادت خصوصاً طواف که از ارکان حج و عمره دانسته شده به طور صحیح به جا آورده شود و نقطه اوجی باشد برای حجاج و معتمران و طواف کنندگان اطراف خانه توحید و حریم حق.



○ پانوشتها:

۱. مریم (۱۹): ۲.
۲. تفسیر البیان، ج ۷، ص ۱۰۳، چاپ اول، دفتر تبلیغات اسلامی، رمضان ۱۴۰۹
۳. تفسیر مجمع البیان، ج ۳، ص ۵۰۲ چاپ کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی ۱۴۰۳
۴. طه (۲۰): ۷.



۵. تفسیر مجمع البیان، ج ۴، ص ۳
۶. انعام (۶): ۶۳
۷. تفسیر المیزان، ج ۷، ص ۱۳۳
۸. تفسیر مجمع البیان، ج ۲، ص ۳۱۴
۹. اعراف (۷): ۵۵
۱۰. تفسیر مجمع البیان، ج ۲، ص ۴۲۹
۱۱. تفسیر المیزان، ج ۷، ص ۱۵۹
۱۲. تفسیر المیزان، ج ۸، ص ۳۸۲
۱۳. الاسراء (۱۷): ۱۱۰
۱۴. تفسیر جامع البیان، ج ۶ - ۵، ص ۴۴۶
۱۵. الانعام (۶)، ۳
۱۶. الرعد (۱۳) و ۹ و ۱۰
۱۷. الانبیاء (۲۱) ۱۱۰
۱۸. الملک (۶۷) ۱۴
۱۹. الاعلیٰ (۸۷) ۷
۲۰. کافی ج ۲، باب اخفاء الدعاء، ص ۴۷۶
۲۱. مرآة العقول، ج ۱۲، ص ۳۳
۲۲. همان.
۲۳. کافی، ج ۲، باب ذکر الله عزوجل فی السرّ، ص ۵۰۱ و ۵۰۲
۲۴. همان.
۲۵. مرآة العقول، ج ۱۲، صص ۱۴۲ و ۱۴۱
۲۶. تفسیر نور الثقلین، ج ۳، ص ۳۲۱ به نقل از مجمع البیان.
گفتنی است در کتب روایی «خیر الدعاء...» با تعبیر «خیر الذکر...» آمده است.
۲۷. مجمع البیان، ج ۲، ص ۴۲۹، تفسیر نور الثقلین ج ۲، ص ۴۰ به نقل از تفسیر مجمع البیان.
۲۸. هنگام سعی بین صفا و مروه خصوصاً در زمان عمره دیده می شود کاروانها به همراه یکدیگر مشغول سعی و دسته جمعی به خواندن دعاهاى آن می پردازند در بعضی مواقع آن قدر صدا بلند است که واقعاً افراد را از حال و هوای عبادت خارج کرده و موجب رنج دیگران می شود.
۲۹. در طواف کعبه ملاحظه شد جمعیت زیادی از زائران ایرانی خانه خدا هماهنگ با یکدیگر با صدای بلند به خواندن دعای جوشن کبیر مشغولند و سر هر بند با صدای بسیار بلند و حتی آزار دهنده سبحانک یا لا اله الا انت الغوث الغوث خالصنا من النار یا ربّ می گویند و موجب نارضایتی دیگر عبادت کنندگان می شوند.